

نأملی در معنای «صدق» در قرآن و دلالت‌های تربیتی و آموزشی آن

علی شیروانی شیرینی¹، مرضیه خشنود²، فهیمه صفری³

پذیرش: 97/11/20

دریافت: 97/11/6

چکیده

از مؤثرترین و مهم‌ترین اقدامات در مطالعات حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، تحلیل مفاهیم بنیادی قرآنی و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن‌هاست. با تحلیل دقیق و برهم‌نهی مفاهیم بنیادی قرآنی و معانی مختلف می‌توان به استنتاج موثوق‌تری دست یافت. این اقدامات می‌تواند گامی در جهت طراحی نظام تعلیم و تربیت اسلامی و نظریه‌پردازی در این حوزه باشد. پژوهش حاضر در پی بررسی مفهوم صدق در قرآن و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن است. سؤال‌های پژوهش عبارتند از: 1. صدق در قرآن بر چه معناهایی دلالت دارد؟ 2. دلالت‌های تربیتی مفهوم صدق چه هستند؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های فوق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و از شیوه تحلیل مفهومی در تحلیل داده‌ها استفاده شده است. مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی تلقی می‌شود. بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آنها انجام شد، می‌توان گفت که دایره «صدق» نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین «صدق» دارای دو حوزه معنایی کلی، یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است.

کلید واژه‌ها: صدق، کذب، قرآن مجید، تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق اسلامی.

1. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسؤول، ali_shiravani@yahoo.com
2. لیسانس آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، شهرستان داراب، ایران.
3. لیسانس آموزش ابتدایی، آموزگار ابتدایی، شهرستان اقلید، ایران.

مقدمه

قرآن کریم که از سوی خداوند حکیم و توسط رسول خاتم (ص) برای هدایت بشر آمده است، در زمینه هدایت انسان، منبع اصلی تمامی مبانی و اصول تربیت است. پرداختن به مفاهیم بنیادی قرآن کریم از محورهای اساسی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی است.

«صدق» از جمله مفاهیم بنیادی قرآنی است که در انسان‌شناسی و اخلاق اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. در 110 آیه از قرآن کریم مستقیماً از کلمه صدق یا ریشه‌های مختلف آن (صَدَقَ، صَدَقٌ، صِدْقاً، ...) استفاده شده است. در چند آیه نیز کلمه «صدقه» از همین ریشه و به معنای بخشش آمده است، اما در معنای اخیر مورد نظر نگارندگان نیست. کثرت استفاده از این واژه در قرآن کریم نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ارزشمند این مفهوم در نظام معیار اسلامی است. افزون بر این، به کارگیری مفاهیم نزدیک و از جهاتی هم‌معنا (حق، وفای به عهد و عقود) و مفاهیم متضاد مانند «کذب، افترا، فسق و ...» و ریشه‌های مختلف آنها در قرآن کریم، و در نظر داشتن گستره این مفاهیم در حوزه‌ها و قلمروهای مختلف نیت، گفتار و عمل، اهمیت و ضرورت تأمل و پرداختن به موضوع را بیشتر می‌کند. اهمیت این مفهوم به حدی است که خداوند حکیم در کلام وحی، خود را راستگوترین معرفی می‌نماید: «مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا... (نساء/122): کیست که در گفتار و وعده‌هایش از خدا صادق‌تر باشد؟! خداوند متعال این ویژگی که از شریف‌ترین فضایل برجسته اخلاقی است را به رسولانش و البته به انسان‌های مؤمنی که در مسیر هدایت، و صراط حق هستند نیز نسبت می‌دهد تا خردمندان را متوجه این فضیلت اخلاقی و آثار و برکاتی که در عرصه فردی و اجتماعی زندگی در پی دارد، نماید. در احادیث بسیاری از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به اهمیت مفهوم صدق پرداخته شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأملی هرچه ژرف‌تر مفهوم صدق در قرآن کریم با مبنا قرار دادن آیات قرآن، تفاسیر مختلف و برخی از احادیث رسیده از ائمه معصومین (ع)، و در پی آن استنتاج دلالت‌های تربیتی آن است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که مطالعه حاضر در پی پاسخ دادن به دو پرسش زیر است:

1- صدق در قرآن بر چه معناهایی دلالت دارد؟ 2- دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی صدق چیست؟

روش مطالعه

این پژوهش با رویکردی کیفی و با به کارگیری روش تحلیل مفهومی صورت گرفته است. «تحقیق کیفی به مجموعه فعالیت‌های بامعنایی اطلاق می‌گردد که با هدف توسعه درک زندگی اجتماعی انسان‌ها و کشف چگونگی ساخت معنا از سوی انسان‌ها انجام می‌شود» (ایمان، 1388: 149). روش تحلیل زبانی و

مفهومی، کاربرد کلمات را به منزله روش اساسی تحلیل، مورد استفاده قرار می‌دهد. در تحلیل مفاهیم باید با دقت تمام، ارتباط بین کلمات و کاربردها را در عبارات مختلف بررسی کرد. برای این منظور می‌توان از بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات و عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد، و تحلیل بر حسب شبکه معنایی به عنوان شیوه‌های مختلف تحلیل بهره برد (باقری، 1389: 162-181). هدف پژوهش تحلیلی فلسفی عبارت است از فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که ما بر حسب آنها تجربه را تفسیر می‌نماییم، مقاصد را بیان می‌داریم، مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم و پژوهش‌ها را به اجرا درمی‌آوریم. بنابراین، «تحلیل مفهومی» نوعی از تحلیل است که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومیز و دنیلز، 1394: 43-47).

در پژوهش حاضر، ابتدا مفهوم قرآنی صدق بر مبنای تفاسیر گوناگون، تجزیه و تحلیل شده و سپس بر اساس تحلیل‌های به عمل آمده، به معنای این مفهوم قرآنی و جایگاه آن در نظام معیار اسلامی و ارتباط آن با سایر مفاهیم اساسی قرآنی پرداخته خواهد شد. در نهایت بر بستر آن منظومه فراهم آمده از معناشناسی، دلالت‌های تربیتی آن استنتاج می‌شود.

مفهوم و معناشناسی صدق از دیدگاه صاحب‌نظران

در این بخش، معنای لغوی و اصطلاحی مفهوم «صدق» از دیدگاه صاحب‌نظران، مورد بررسی قرار می‌گیرد. صدق یعنی «راست گفتن، راستی و درستی، نقض کذب» و صداقت به معنای «دوستی، دوستی از روی راستی و درستی» است (عمید، 1377: 1356).

راغب اصفهانی، صدق را چنین تعریف کرده است: «الصدق و الکذب: راست و دروغ، اصل‌شان در قول و سخن است چه ماضی و چه حال و مستقبل، چه وعده راست و دروغ باشد و یا غیر از این‌ها» (ترجمه مفردات، ج 2، ص: 382).

در کیمیای سعادت چنین آمده است: «صدق به اخلاص نزدیک است و درجه وی بزرگ است و هر که به کمال رسد نام وی صدیق است ... و این صدق و راستی در شش چیز بود ... اول در زبان است که هیچ دروغ نگوید ... دوم در نیت ... سیم در عزم ... چهارم در وفا بود به عزم ... پنجم آن بود که هیچ چیز در اعمال فرانماید که باطن وی بدان صفت نبود ... ششم آن که مقامات دین حقیقت آن از خویشتن طلب کند» (غزالی، 1384: 826-829).

در معراج السعاده آمده است: «ضد دروغ‌گویی، صدق است که راستگویی است. و آن اشرف صفات نفسانیّه و رئیس اخلاق ملکیه است. خداوند عالم می‌فرماید: «تَقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ»، یعنی: «پرهیزید از خدا و با راستگویان بوده باشید» و از حضرت رسول (ص) مروی است که «شش خصلت از برای من قبول کنید تا من بهشت را از برای شما متقبّل شوم: هرگاه یکی از شما خبری دهد دروغ نگوید، و چون وعده نماید تخلف نوزد، و چنانچه امانت قبول نماید خیانت نکند و چشم‌های خود را از نامحرم بپوشد، و دست‌های خود را از آنچه نباید به آن دراز کند نگاه دارد، و فرج خود را محافظت نماید» (نراقی، 1385: 510). جوادی آملی (1394)، بر اساس آیات قرآنی داشتن «قدم صدق» (سوره یونس، آیه 2) و «مقعد صدق» (قمر/ 54-55) را از ویژگی‌های مؤمنان و پرهیزگاران معرفی می‌کند. صادق نیز کسی است که به عهدش وفا کرده است (احزاب/ 23). «خدای سبحان، انبیاء را به عنوان «صدیق» و «صادق» معرفی می‌کند و دیگران را به همراهی آنان فرا خوانده می‌فرماید «کونوا مع الصادقین» (توبه/ 119): با سنت و سیرت اهل صدق باشید و از آنان جدا نباشید» (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، 1394: 247). «بهترین نمونه صدق، پایداری در جبهه جنگ، خواه جنگ ظاهر و جهاد اصغر و خواه جنگ باطن و جهاد اکبر است» (همان: 248). ایشان معتقد است که دایره صدق نه تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است.

بررسی مفهوم صدق در بافت و سیاق آیات قرآن

«صدق» در فرهنگ قرآنی، جایگاه و اهمیت بالایی دارد. «صدق» از جمله کلیدواژگان وحی است که در معیت «حق» که تنها از جانب «خدا» است «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ...» (بقره/ 147)، معنا می‌یابد، «قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنْ أُمَّةٍ لَمْ تُشْرِكْ» (آل عمران/ 95)، (ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگوست، پس از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود. در آیه «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَزَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا» (سوره الأحزاب/ 22) و همچنین در آیه 52 سوره یس، به حقانیت و درستی و راستی وعده خدا و رسولش اشاره شده.

آیه «بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ» (صافات/ 37) و بافتی که در آن قرار دارد شامل آیات قبل و بعد، حاوی این پیام‌های مهمی است که 1. پیامبران، مردم را به سوی حق (خدا) می‌خواندند نه خود. 2. تمام انبیا به توحید و حق دعوت می‌کردند و پیامبر اسلام نیز آنان را تصدیق می‌کرد. 3. هم خود اهل حق

باشید و هم حَقَانِیت دیگران را تصدیق کنید. 4. کیفر کسانی که از روی آگاهی، قرآن را شعر و پیامبر را مجنون می‌خواندند، عذاب دردناک است». (تفسیر نور، ج 10، ص: 28).

با در نظر داشتن بافت و سیاق آیات فوق، چنین برداشت می‌شود که «صدق» و راستی همواره با حق (خدا، وحی، و رسولانش) ملازمت دارد. «صدق» با معیارهای دیگری چون مدلل بودن و هماهنگی و تناظر اعمال و رفتار از هر نظر با اعتقاد و ایمان نیز ملازمت دارد. آیات «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدَنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره 23) و «وَإِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره 111) به معیار مدلل بودن و آیه «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ...» (بقره 177) به هماهنگی و تناظر اعمال و رفتار از هر نظر با اعتقاد و ایمان اشاره دارد. این آیه به‌طور مؤکد اعلام می‌دارد که «بر» به معنای واقعیش بجای آوردن ظواهر دینی نیست، بلکه به معنای تقوا و نیکی به آن نوع از صداقت اجتماعی گفته می‌شود که از ایمان واقعی به وحدانیت خدا نشأت می‌گیرد. در آخر آیه نیز «بر» به وضوح در ارتباط نزدیک با «صدق» و تقوا قرار داده شده است (ایزوتسو، 1394: 75). در این آیه صدق به‌طور مطلق آمده و مقید به زبان یا به اعمال قلب، یا به اعمال سایر جوارح نیست، پس منظور، آن مؤمنینی است که مؤمن حقیقی هستند و در دعوی ایمان صادقند. همچنین صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد؛ چون آدمی به غیر از اعتقاد، قول و عمل، چیز دیگری ندارد و انسان مفطور بر قبول حق و خضوع باطنی در برابر آن است، هر چند که در ظاهر اظهار مخالفت کند. بنابراین، اگر اذعان به حق کرد و بر حسب فرض بنا گذاشت که جز راست نگوید، دیگر اظهار مخالفت نمی‌کند، تنها چیزی را می‌گوید که بدان معتقد است و تنها عملی را می‌کند که مطابق گفتارش است. در این هنگام است که ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح، همه با هم برایش فراهم می‌شود (ترجمه المیزان، ج 1، ص: 652).

آیه اخیر اشاره به تلازم «صدق» در گفتار، عمل و نیت دارد و از این آیه استفاده می‌شود که مؤمنان اعمال و رفتارشان از هر نظر با اعتقاد و ایمانشان هماهنگ است و تقوا و پرهیزگاری‌شان از اینجا معلوم می‌شود که آنها وظیفه خود را هم در برابر خدا و هم در برابر نیازمندان و محرومان و کل جامعه انسانی و هم در برابر خویشانشان انجام می‌دهند. چنانچه ایمان را «اعتقاد و باور قلبی، اقرار زبانی و عمل به اعضاء» معنی کنیم، «صدق» یا راستی را باید اساس ایمان بدانیم «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات/15). آیه مذکور با «ایمان» شروع

شده، و با «صدق» نیز خاتمه می‌یابد تا بدین صورت نشان داده شود که یک سوی این معادله ایمان و سوی دیگرش راستی است. «در واقع این امر می‌رساند که ایمان همان راستی، و راستی همان ایمان است» (موحدی محب، 1388: 123).

آیه «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران 152/)، ناظر بر مقوله معنایی دیگری از «صدق»، یعنی «امانت» و وفاداری به عهد به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته مؤمنین است که می‌توان آن را در گستره‌ای از «صدق» در گفتار و عمل و نیت، صادق دانست.

مفاهیمی چون صبر، صدق، خضوع، انفاق، استغفار و ویژگی‌هایی هستند که در وجود انسان مؤمن و متقی، همنشینی و آمیختگی دارند: «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران 17/). «این آیه توصیف صفاتی از انسان‌ها می‌باشد که عباد الهی هستند» (انصاری، 1389: 159). چنین صفاتی در انسان‌هایی که آگاهی، عقلانیت و ایمان بر وجود آنان حاکم باشد، ظهور می‌یابد. با توجه به بافت و زمینه موضوع، در دو آیه قبل از این آیه، خداوند پرهیزگاران و متقین را معرفی می‌فرماید و سپس به جایگاه آنان و در ادامه به برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آنان اشاره می‌کند. بر این اساس، «صدق» یکی از خصوصیات بارز پرهیزگاران است.

آیه 80 از سوره اسرا به یکی از دستورات اصولی اسلام که از روح ایمان و توحید، سرچشمه می‌گیرد اشاره کرده، می‌گوید: «بگو پروردگارا! ورود مرا در هر کار نیز صادقانه قرار ده». هیچ کار فردی و اجتماعی را جز با راستی آغاز نکنم؛ همچنین هیچ برنامه‌ای را جز به راستی پایان ندهم؛ راستی، درستی و امانت، خط اصلی من در همه کارها باشد و آغاز و انجام همه چیز با آن صورت گیرد. هیچ‌گونه محدودیتی در تعبیر جامع فوق نیست؛ تقاضایی است برای ورود و خروج صادقانه در همه چیز، در همه کار، و در هر برنامه‌ای. در حقیقت رمز اصلی پیروزی در همین جا نهفته شده است و راه و روش انبیاء و اولیای الهی همین بوده که فکرشان، گفتارشان و اعمالشان از هر آنچه برخلاف صدق و راستی است پاک باشد.

دومین اصلی که از یک نظر میوه درخت توحید، و از نظر دیگر نتیجه ورود و خروج صادقانه در کارها است، همان است که در پایان آیه 80 سوره اسراء به آن اشاره شده است: «خداوندا برای من از سوی خودت سلطان و یآوری قرار ده»، چرا که من تنها هستم، و به تنهایی کاری نمی‌توان انجام داد، و با

اتکاء بر قدرتم در برابر این همه مشکلات پیروز نخواهم شد؛ تو مرا یاری کن و یاورانی برای من فراهم ساز (تفسیر نمونه، ج 12، ص: 226).

بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آنها گذشت، می‌توان گفت که دایره «صدق» نه‌تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین دو حوزه معنایی در مفهوم کلی تر «صدق» مندرج است؛ یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است.

ویژگی‌های صادقین بر اساس بافت آیات

در آیه 119 سوره توبه می‌خوانیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». در این که منظور از «صادقین» چه کسانی است، مفسران احتمالات گوناگونی داده‌اند. ولی اگر بخواهیم راه را نزدیک کنیم، باید به خود قرآن مراجعه کنیم که در آیات متعددی «صادقین» را تفسیر کرده است. در فرهنگ قرآن، ایمان به خدا و پیامبرانش از مهم‌ترین ویژگی‌های راستگویان و راستکاران است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ و...» (حدید/ 19). شکیبایی، خشوع و اهل طاعت پروردگار بودن نیز از دیگر ویژگی‌های صادقین است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/ 33-35).

از آیه 177 سوره بقره می‌توان دریافت که راستگویان اهل انفاق و کمک به دیگران و انسان‌های نوع‌دوستی هستند که از راه مانده‌گان دستگیری نموده و به حاجت‌مندان و فقیران کمک می‌کنند و یتیمان و ناتوانان را دستگیری نموده و نماز به پا می‌دارند و زکات مال خویش را می‌پردازند و اهل وفای به عهد هستند. خویشان را دوست داشته و به هر شکل و در هر فرصتی به آنان کمک می‌کنند. این‌ها نمونه‌هایی است که قرآن تنها در یک آیه بدان اشاره کرده است. به این ترتیب صادق کسی است که دارای ایمان به تمام مقدسات و به دنبال آن عمل در تمام زمینه‌ها باشد.

آیه 15 سوره حجرات نیز «صدق» را مجموعه‌ای از ایمان و عمل که در آن هیچ‌گونه تردید و تخلفی نباشد معرفی می‌کند. در آیه 8 سوره حشر، مؤمنان محرومی که علی‌رغم همه مشکلات، استقامت به خرج دادند و از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند و جز رضای خدا و یاری پیامبر (ص) هدفی نداشتند، به عنوان صادقان معرفی شده‌اند.

از مجموع این آیات نتیجه می‌گیریم که «صادقین» آن‌هایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند؛ بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. شک نیست که این صفات مراتبی دارد، بعضی ممکن است در قله آن قرار گرفته باشند که ما نام آنها را معصومان می‌گذاریم، و برخی در مراحل پایین‌تر (تفسیر نمونه، ج 8، ص: 181).

مصدق دیگر انسان صدیق، مؤمن هدایت یافته است؛ یعنی کسی که پیرو و مطیع خدا و پیامبر است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ¹». همان‌طور که آیه شریفه صریحاً بیان می‌دارد، راستگویان که پیرو و مطیع امر خداوند و پیامبر او هستند، در ردیف شهدا قرار دارند و اجری چون ایشان می‌برند.

در آیات 67 تا 68 سوره نساء از کسانی سخن به میان می‌آید که از جانب خدا پاداشی بزرگ به آنان می‌رسد که همانا هدایت به راهی راست است. و در ادامه، مصداق‌ها را انبیاء، راستگویان، شهدا و صالحان معرفی می‌کند «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (69 نساء). نکته‌ای در اینجا قابل تأمل است، این که در سوره مبارک حمد در کنار صراط مستقیم، «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» آمده است و این بار دوم است که در کنار آیه صراط مستقیم، گروه «أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» مطرح است. گویا غیر از انبیا و صدیقان و شهدا و صالحان، دیگران براهه می‌روند و راه مستقیم، منحصرأ راه یکی از این چهار گروه است.

با توجه به بافت بحث، یعنی در نظر گرفتن این آیه و همچنین دو آیه قبل از آن و حتی ارتباط این آیات با نکاتی که در همین رابطه در سوره مبارک حمد بیان شده، این پیام قابل دریافت است: قرار گرفتن در راه انبیا و شهدا و داشتن رفقای خوب، جز با اطاعت از فرمان خدا و رسول به دست نمی‌آید. رفیق خوب، انبیا، شهدا، صدیقان و صالحانند (تفسیر نور، ج 2، ص: 324).

در آیه 69 سوره نساء «الصَّادِقِينَ» و 19 سوره حدید «الصدیقون» قبل از «لشهداء» آمده و شاید حکمت این ترتیب، اهمیت و برتری راستگویی حتی نسبت به شهادت است. بر اساس آیاتی از سوره مریم (41 و 56) (هو در این کتاب ابراهیم را یاد کن، زیرا او پیامبری صدیق بود) (41/ مریم). (هو در این کتاب ادریس را یاد کن، زیرا او پیامبری صدیق بود) (56/ مریم)) می‌توان دریافت که خداوند برخی از پیامبران را با این صفت به مردم شناسانده است. بعد از انبیاء، امامان معصوم (ع) و صدیقه زهرا (س)

1. آیه 19 سوره حدید

برترین نمونه صدیقین هستند، زیرا صدیقین مستقیماً بعد از انبیاء مورد توجه قرآن قرار گرفته‌اند و بر صراط مستقیم بوده و در سوره حمد به مثابه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند. بر طبق حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الْصَّادِقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبُ النَّجَّارِ مُؤْمِنٌ آلِ يَاسِينَ الَّذِي يَقُولُ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (20/یس) اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (21/یس) وَ حَزَقِيلُ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ». صدیقان سه نفرند: حبیب نجار، مؤمن آل یاسین، همو که گفت: «از رسولان تبعیت کنید، از کسانی تبعیت کنید که از شما مزد نمی‌خواهند و خود هدایت‌یافتگانند» و حزقیل مؤمن آل فرعون، و علی بن ابی طالب که از همه صدیقان برتر است (محمدی ری شهری، ج 6، ص: 187).

بنابراین، قراردادن در مسیر صراط مستقیم و هدایت مردم به راه راست، فضل و پاداش بزرگی است که از طرف خداوند نصیب پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و شایستگان یعنی کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، می‌شود.

فرهادیان، بر اساس سیاق آیات قرآن، «صدیقان» را از جمله چهره‌های محبوب خداوند معرفی می‌کند (فرهادیان، 1385: 506).

بر اساس آیات قرآن، تفاسیر و مرور پیشینه پژوهش و تحقیقات انجام‌شده در این مورد، دایره واژه «صدق بر الف» (صدق در گفتار، ب) «صدق در نیت، ج) «صدق در عمل گسترش می‌یابد. داشتن ایمان، تقوا و پرهیزگاری، قرار داشتن در مسیر هدایت، وفای به عهد و پیمان و در کل اطاعت و پیروی از خداوند و پیامبر از ویژگی‌های بارز یک انسان صدیق است.

بررسی بر اساس مفهوم متضاد

در قرآن کریم «صدق» به معنای راستی، امانت داری و وفای به عهد، در اصل مقابل واژه «کذب» آمده است. از این واژه و مشتقات آن بیش از 200 مرتبه در قرآن کریم استفاده شده که ضرورت تأمل انسان را در این باره می‌طلبد. کذب، عمدتاً به دو طریق تجلی پیدا می‌کند؛ نخست به صورت دروغ گفتن آشکار انسان درباره خدا و وحی او و دوم به صورت «تسبب دروغ به خدا دادن» است. قرآن برای مورد اول واژه «افتراء» به معنای «جعل دروغ» (نساء/50) و برای مورد دوم واژه «تکذیب» که در لغت به معنای «چیزی را دروغ شمردن» است، به کار می‌برد. در آیه 105 سوره نحل خداوند دروغگویان را کسانی معرفی می‌کند که به آیات خدا ایمان ندارند.

توجه به سیاق آیات اول سوره مبارکه صف نشان می‌دهد که «تفاق» یعنی سخنی را به زبان جاری سازی که عامل به آن نباشی و «انکار» یعنی عدم پذیرش پیام خدا که پیامبران خدا با بیانات و دلایل روشن

مردم را به آن دعوت می‌کردند، و «افترا» یعنی بهتان دروغ زدن به پیامبران که راستگو و مصدق یکدیگرند، همگی در راستا و هم‌معنای واژه «کذب» و متضاد «صدق» هستند.

کذب همچنین با واژه «فسق» ارتباط معنایی دارد. «فسوق» به معنی گناه و خارج شدن از اطاعت خداست. تکذیب حقیقت پس از آشکار شدن آن، از جمله علائم بیماری قلب و فسوق است (فرهادیان، 1385: 86-87) که از آیه «وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَأْتُونِنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف/5) قابل استفاده است. فسوق همچنین به معنای نقض عهد با خداست که از آیات 26 و 27 سوره بقره قابل فهم و برداشت است. خدا در این آیات فاسقان را کسانی معرفی می‌کند که عهد و میثاق خدا را می‌شکنند. در آیات 43 و 77 سوره توبه، «کذب» از جمله ویژگی‌های منافقان معرفی شده است.

تقابل دیگر میان مفهوم «خیانت» و «صدق» برقرار است. در آیه شریفه «وَ إِذَا عَشَيْتُمْ مَوجُ كَالظَّلْمِ دَعُوا اللَّهَ خَلِصِينَ لَهَا لِلدِّينِ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ» (لقمان/32)، سخن از انکار آیات الهی توسط پیمان‌شکنان «خائنان» و کفران‌کننده‌گان «ختّار» به میان آمده. انکار آیات الهی در نهایت، خیانت‌ورزیدن و بی‌وفایی به دین که میثاق فطری میان انسان و خداوند است، می‌باشد. بنابراین، «تقابل میان صدق و خیانت را باید در اصل در چارچوب میثاق میان خدا و انسان فهمید» (ایزوتسو، 1394: 197).

ویژگی‌های مکذبین، بر اساس سیاق آیات قرآن

در قرآن به مفاهیمی چون نفاق (صف/2)، بازداشتن مردم از راه خدا، کفر (حدید/19)، عدم آگاهی و معرفت و نفهمیدن حقایق (سوره منافقون/3 و 7 و 8)، فسوق (بقره/197)، تعصب‌های قومی و نژادی (بقره/91)، افترا (صف/7)، خیانت (لقمان/32)، انکار نعمت‌های الهی «بِأَيِّ آيَاتٍ يُكذِّبَانِ» (سوره الرحمن) به تکرار (بیش از 30 مرتبه) اشاره شده است. بر اساس آیات قرآن، مفهوم کذب را می‌توان در مرتبه‌ای به کافران که خدا و پیام و رسول را منکر هستند (آیه 6 و 7 بقره)، و در مرتبه‌ای دیگر به منافقین که اهل خدعه و نیرنگ و استهزاء مؤنان هستند (آیات 8 تا 20 بقره) نسبت داد و در مرتبه‌ای دیگر منسوب به فاسقین است که عهد و میثاق خدا را می‌شکنند (آیات 26 و 27 بقره). این ویژگی‌ها غالباً مبتنی

بر انکار و رویگردانی از حقایق و بر اثر تیرگی دل، لجاجت و سرسختی، تعصبات بی‌جا و نظایر آن است. در حقیقت، اینان از پذیرش و تصدیق حق با وجود نشانه‌ها و دلایل کافی سرباز می‌زنند.

دلالت‌های تربیتی مفهوم صدق

در این بخش از مقاله، تلاش خواهد شد تا بر اساس تحلیل‌هایی که از مفهوم «صدق» انجام شد، دلالت‌هایی در قلمرو تربیت، استنتاج شود. از آنجایی که اهداف تربیتی، فعالیت‌های تربیتی را رهبری و هدایت می‌کنند، ابتدا به اهداف تربیتی مبتنی بر صدق، پرداخته می‌شود.

الف. اهداف تربیتی مبتنی بر صدق

هدف، مبنا و اساس کلیه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی است و در سطوح و زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش اهمیت بسیاری دارد (صفوی، 1387: 35). همچنین هدف، در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که به‌طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن، فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. بنابراین هدف‌های تربیتی دارای سه کارکرد رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه در فرد و ارائه معیاری برای فعالیت‌های تربیتی هستند (اعرافی و همکاران، 1387: 5). در حوزه تربیت اخلاقی در سیره معصومان (ع) نیز، پرورش فضائل و از میان بردن رذایل و پرورش فهم و تعقل اخلاقی، دو هدف تربیت اخلاقی هستند (داودی، 1390: 66).

در تعلیم و تربیت اسلامی حقیقت‌جویی و حقیقت‌گرایی دو آرمان و هدف غایی و دراز مدت نظام تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آیند. اهدافی که سایه خود را بر سر همه حیطه‌های تربیت، اعم از تربیت عقلانی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، اعتقادی و دینی و عاطفی گسترانده‌اند (شمشیری و شیروانی، 1390). به تبع آن، «صداقت» می‌تواند هدف واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی در ردیف اهداف واسطی دیگری چون «صبر» (شمشیری و شیروانی، 1390) و «حب» (شیروانی و دیگران، 1392) به شمار آید.

صداقت را می‌تواند به عنوان هدف واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی، از دو بعد فردی و اجتماعی

مورد توجه قرار داد:

1. در بعد فردی، هدف تربیت افراد سالم و صادق است. شخص راستگو از نظر نفسانی و روانی سالم است؛ زیرا نیت‌ها، باورها و اعتقاداتش راستین و عملش صالح است و در حقیقت ظاهر و باطنش یکی است. وی همواره شاکر نعمت‌ها است و در حالت رضا و آرامش زندگی می‌کند.

2. در بعد اجتماعی، هدف ایجاد محیط تربیتی و حتی جامعه اخلاقی صادق و سالم است. محیط و جامعه سالم، جامعه‌ای است که بنیان آن بر صداقت است. چنین جامعه اخلاق‌مندی در مسیر حق، سعادت و کمال و صراط مستقیم است که فضایل اخلاقی عام‌تری چون حکمت، برابری و عدالت اجتماعی، عفت و شجاعت نیز در آن معنا می‌یابد.

برای نیل به این هدف، در محیط و فضاهاى تربیتی می‌توان علاوه بر پرداختن به محتوای مناسب و نظریه‌پردازی، به اصلاح متناسب قوانین و حتی ساختارهای آموزشی پرداخت تا زمینه‌های بروز رفتارهای غیراخلاقی همچون دروغ‌گویی، نقض عهد و نظایر آن کاهش یابد. بنابراین، برای تحقق هدف «صداقت»، فعالیت‌های مناسب تربیتی از نوع ایجابی و سلبی لازم است تا صورت‌بندی و اجرا شود.

ب. اصول تربیتی مبتنی بر صدق

«اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد» (شریعتمداری، 1377: 11). اصول تعلیم و تربیت مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و آرای مربیان بزرگ و فیلسوفان و دانشمندان تعلیم و تربیت است. در این مقاله، اصول تربیتی مبتنی بر آموزه‌ها و تعالیم قرآن کریم است.

1. صداقت، صراط مستقیم و منهاج هدایت

با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته از آیات قرآن کریم در بخش‌های پیشین مقاله، یکی از مصادیق انسان صدیق، مؤمن هدایت‌یافته است؛ یعنی کسی که پیرو و مطیع خدا و پیامبر است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ﴾ (حدید / 19). در آیات 67 تا 68 سوره نساء نیز از کسانی سخن به میان می‌آید که از جانب خدا پاداشی بزرگ به آنان می‌رسد که همانا هدایت به راه راست است و در ادامه، مصادق‌ها را انبیاء، راستگویان، شهدا و صالحان معرفی می‌کند.

بنابراین، قرارداشتن در مسیر صراط مستقیم و هدایت مردم به راه راست، فضل و پاداش بزرگی است که از طرف خداوند نصیب پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و شایستگان یعنی کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، می‌شود.

باتوجه به این نکته که یکی از برترین مصادیق، هدایت‌یافتگی بعد از مقام نبوت، صداقت است، متخلق بودن به این ویژگی و فضیلت اخلاقی که چراغ راه و روشنگر صراط مستقیم است، باید به عنوان یک اصل مهم تربیتی راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی قرار گیرد.

2. هماهنگی و لزوم صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل

یکی از مظاهر صدق که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده، هماهنگی بین گفتار و کردار است که هم خود انسان و هم دیگران می‌توانند در مورد آن قضاوت نمایند و هماهنگی بین گفتار و کردار با نیت است که فقط توسط خود انسان قابل ارزیابی است. بر اساس فرهنگ قرآنی، رعایت صدق در گفتار، صدق در نیت و صدق در عمل مؤید و لازم و ملزوم یکدیگرند. خداوند در سوره مبارکه صف از کسانی که ایمان آورده‌اند می‌پرسد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ». خداوند در آیه بعد با لحن تندتر هشدار می‌دهد که «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»¹. این آیات شریف ناظر بر لزوم رعایت صدق در گفتار و صدق در عمل توسط ایمان آورندگان و به عبارتی تربیت‌یافته‌گان مکتب قرآن است.

از آنجایی که گفتار و کردار آشکار، مؤید نیت انسان است، پس لازم است که انسان ابتدا در نیت خود صداقت و اخلاص داشته باشد تا در مراحل دیگر بتواند در گفتار و عمل نیز مطابق با نیت، صادقانه عمل کند. در تربیت اخلاقی و اسلامی هماهنگی بین نیت، گفتار و عمل مربیان و متربیان باید به عنوان یک اصل تربیتی و اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. از طرفی این نکته بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که قبل از این هماهنگی، لزوم اخلاص و پاکسازی نیت، بسیار حائز اهمیت است. «خستین آداب و آئین‌های مربوط به معلم و شاگرد که باید به عنوان یک امر ضروری و قطعی مورد توجه قرار گیرد، این است که در پویایی از علم و یا بذل و اعطاء آن به دیگران، دارای خلوص نیت باشند؛ زیرا محور و کانون ارزش علم و رفتار هر کسی بر قصد و نیت است» (حجتی، 1387: 71).

3. جلب اعتماد متربیان از طریق رفتار صداقانه مربیان و بزرگ‌ترها

یکی از اصول و بایدهای اخلاقی در تربیت این است که بزرگ‌ترها اعم از والدین و مربیان و کارگزاران تربیتی و فرهنگی، با صداقت و راستی کامل رفتار کنند. صداقت در قول و فعل جهت تأثیرگذاری ملازم

1. آیات 2 و 3 سوره صف

یکدیگرند. بزرگ‌ترها می‌توانند با صداقت و راستگویی، وفای به عهد و پیروی از حق و حقیقت، عناد و لجاجت متریبان را حد زده، و اعتمادشان را جلب نمایند. این اطمینان و اعتماد، هم برای بزرگ‌ترها و مریبان و هم برای متریبان موجب آسایش فکری و درونی است (حجتی، 1374: 199).

خداوند در بیان اهمیت صداقت در قول و وعده و معرفی الگو، خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم/54).

در حقیقت تا انسان «صادق» نباشد، محال است به مقام والای رسالت برسد، چرا که اولین شرط این مقام آن است که وحی الهی را بی‌کم و کاست به بندگانش برساند (تفسیر نمونه، ج 13، ص: 97). انسان تربیت یافته مکتب قرآن و مؤمن حقیقی وقتی حرفی می‌زند، پای حرف خود ایستاده و از عمل به گفته خود شانه خالی نمی‌کند، چرا که گفتن سخنی و عمل نکردن به آن به شدت موجبات خشم خداوند را فراهم می‌کند (صف / 3). از بدترین بلاهایی که ممکن است بر یک جامعه مسلط شود بلای سلب اطمینان است، و عامل اصلی آن جدایی گفتار از کردار است. مردمی که می‌گویند و عمل نمی‌کنند هرگز نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند (تفسیر نمونه، ج 24، ص: 67).

ج. روش‌های تربیتی مبتنی بر صدق

1. به‌کارگیری لسان صدق

لسان صدق روش تربیتی پیامبران برای هدایت بشر بوده است. همان‌طور که از سخنان امام علی (ع) می‌توان دریافت که «فدعاهم بلسان الصدق الی سبیل الحق...» پیامبران، مردم را با زبان راستگویی به راه حق فراخواندند (نهج البلاغه، خطبه 144:264). از نظر ایشان، لسان صدق و نام نیکو، مهم‌ترین سرمایه‌ای است که خداوند در اختیار انسان قرار داده که قابل قیاس با ارثی که بر جای می‌گذارد، نخواهد بود.¹ به بیان دیگر، راستگویی، امانتی است که بر عهده زبان گذاشته شده و شایسته نیست که زبان بر این امانت خیانت کند تا آنجا که آن حضرت در طول عمر خود جز صدق و راستی سخنی به زبان جاری نساخت و با آن که معمول نیست که انسان از فضائل و کمالات خود مستقیماً سخن بگوید، اما راستگویی در تفکر ایشان از چنان اهمیتی برخوردار بود که با قید سوگند به خدا، اعلام می‌کند که هرگز جز به راستگویی، زبان به سخن باز نخواهد کرد (معارف، 1393: 5).

1. نهج البلاغه خطبه 23: ولسان الصدق يجعلها لله للمرء فی الناس خیر له من المال یرثه غیره

2. روش الگوپردازی

هر انسان مؤمنی برای دستیابی به زندگی معیار، در پی یافتن الگویی پسندیده است تا خود را با آن مقایسه کند و زندگی خویش را با رنگ آن بیاراید. الگوخواهی و قهرمان‌پرستی، ریشه در ارزش‌پرستی آدمی دارد. قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم، موسی، مریم، یحیی، یوسف و به‌خصوص پیامبر اعظم (ص) اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. با درنگ در آیات قرآن، می‌توان اذعان کرد که این کتاب الهی به الگوخواهی مؤمنان به خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند. این نکته، زیباترین رویکردی است که به نیاز جستجوگری و الگوخواهی جوان پاسخ می‌گوید (پورامینی، 1391: 23).

3. تقویت ایمان

صدق و ایمان با یکدیگر رابطه متقابل دارند؛ به طوری که صدق و راستی معرف ایمان بوده و ایمان نیز الزامی جز صدق ندارد؛ چنان که دروغ با نفاق و بی‌ایمانی پیوند می‌خورد. در این خصوص علی (ع) در غررالحکم و دررالکلم چنین می‌فرماید: «الْصِّدْقُ أَوْقَى دَعَائِمِ الْإِيمَانِ» یعنی صدق و راستی محکم‌ترین پایه ایمان است (معارف، 1393: 13).

ایمان به خدا به عنوان تنها آفریننده و کردگار عالم امکان و ایمان به حقانیت نبی و فرستاده او و باور به عالم غیب و شهادت، زمینه تصدیق را در مترینان ایجاد می‌کند. از آنجا که ایمان مبتنی بر شناخت و آگاهی است، در انسان الزام درونی ایجاد می‌کند.

«ز دیدگاه قرآن کریم و در معارف اسلامی در مقام تبیین و تشریح ایمان، اقسام و مراتبی برای آن قائل شده‌اند: الف) ایمان لسانی: ایمانی است که در دل رسوخ کرده است. ب) ایمان برهانی: این ایمان از طریق برهان در عقل انسان رسوخ می‌کند و با گرفتن شک از عقل، او را قانع می‌سازد. ج) ایمان قلبی: چنین حالتی، ایمانی عاطفی و یقینی است که در دل رسوخ کرده است و انسان، خدا و معاد را از قلب و جان باور کرده است. مؤمن در این موقعیت به مرحله‌ای رسیده که خداوند را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر احساس می‌کند» (مظاهری، 1389: 245).

پس باید گفت که ایمان به خدا به عنوان تنها آفریننده و کردگار عالم امکان و ایمان به حقانیت نبی و فرستاده او و باور به عالم غیب و شهادت، زمینه تصدیق را در مترینان ایجاد می‌کند. بنابراین هر فرد به اندازه‌ای که رشد کرده است می‌تواند از مراتب ایمان بهره کافی را ببرد و هرچه بیشتر ویژگی صداقت را در وجود خود جلا دهد.

4. انجام عمل صالح

عمل صالحی که در قالب رفتار و کردار صادقانه از مربی و اولیا سر می‌زند، الگوی تربیتی مناسبی برای متریان است. افزون بر این، مربی می‌تواند معیارهایی را بر اساس سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، تبیین کند و در دسترس متریان قرار دهد.

5. اجتناب والدین و مربیان از کذب در کردار و رفتار و گفتار

خانه از ارکان مؤثر در تحقق شایسته‌ترین جریان تربیت رسمی و عمومی می‌باشد و به‌طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، 1390: 153).

پایه و اساس شکل‌گیری و تعالی هویت افراد، محیط خانه و افراد آن است. در دین اسلام، تربیت فرزندان وظیفه و تکلیف والدین است. در برخی از آیات قرآن کریم به روشنی بیان شده است که والدین در قبال تربیت فرزندان مسؤولند؛ از جمله: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می‌نمایند! (تحریم / 6) و «و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش» (طه / 132).

رفتار هوشمندانه مبتنی بر ارزش اخلاقی صدق از سوی والدین و مربیان، زمینه‌ساز تکوین این ارزش اخلاقی در فرزندان خواهد شد. والدین هم در ارتباط با یکدیگر و هم در ارتباط با کودکان، در حال آموزش مفاهیم اخلاقی و رفتاری به کودکان هستند. اما گاه بزرگ‌ترها سخنانی می‌گویند که عامل به آن نیستند، گاه وانمود می‌کنند که در حال انجام امری هستند، در حالی که فقط وانمود می‌کنند و رفتار و کردار آنان با نیتشان یکی نیست و اقدامشان اغواکننده و فریبکارانه است. گاه به عهد و قول خود وفادار نیستند، گاهی نیز در پاسخ به برخی از پرسش‌های کودکان و نوجوانان به دلیل عدم اطلاع کافی و برای حفظ اقتدار و مرجعیت خود، متوسل به پاسخ‌های نادرست و دروغ می‌شوند. چنانچه والدین در چنین مواقعی، صادقانه بگویند که در آن زمینه اطلاع کافی ندارند، نتیجه بهتری عاید خود و کودکان می‌شود، حداقل این که اعتماد آنان را نسبت به خود سلب نمی‌کنند.

دوری‌گزینی و عدم همنشینی با اشخاص کذاب و دروغ‌پرداز نیز از جمله اقدامات تربیتی است که والدین لازم است فرزندان خود را به‌طور مستقیم یعنی در قالب نصیحت، تذکر و بیان و همچنین به شکل

غیرمستقیم یعنی در عمل، از آن برحذر دارند. بر والدین لازم است تا معیارهای انتخاب دوست و همنشین «صدیق» را برای فرزندان تبیین نمایند.

د. صدق و برنامه‌درسی

در طراحی و تدوین محتوای آموزشی، با توجه به تأثیرگذاری معرفتی مطالب و محتوای درسی، می‌توان و البته ضروری است که بخشی از محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی را به‌طور خاص و با جهت‌گیری و شیوه‌ای کاربردی به ارزش‌های اخلاقی مهمی چون صداقت، وفای به عهد، حق‌گروی و حقیقت‌جویی و نظایر آن اختصاص داد. در قلمرو اجرا، می‌توان «صدق» را در هر دو معنای راستگویی و وفای به عهد، در کنار سایر مفاهیم اخلاقی، به عنوان اخلاق حرفه‌ای تدریس مورد توجه قرار داد. در مراکز تربیت مدرس و معلم که اخلاق حرفه‌ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان مهارت‌ها و نگرش‌های ویژه این ارزش اخلاقی را به‌طور مشخص و دقیق در رابطه معلم یا شاگرد و در فعالیت‌ها و اقدامات آموزشی و تربیتی متنوع و در سطوح مختلف، تبیین نمود.

همچنین در قلمرو ارزشیابی، می‌توان زمینه‌های تربیتی صدق را که در قالب رفتار و کردار صادقانه بروز می‌کند، عملاً ایجاد نمود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا به معناشناسی مفهوم قرآنی صدق و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته شود. خداوند حکیم قرآن را که کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست، نسخه‌ای شفا بخش می‌خواند «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...» (اسراء/82)، یعنی قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است. «شفا» معمولاً در مقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است، بنابراین، نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند، همان پاکسازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است. پس از آن مرحله «رحمت» فرا می‌رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی، و جوانه‌زدن شکوفه‌های فضائل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند. به تعبیر دیگر «شفا» اشاره به «پاکسازی» و «رحمت» اشاره به «توسازی» است، و یا به تعبیر فلاسفه و عرفا، اولی به مقام «تخلیه» اشاره می‌کند و دومی به مقام «تحلیه» (تفسیر نمونه، ج 12، ص: 238).

در امر تربیت و به‌ویژه تربیت دینی و اخلاقی، قرآن برترین وسیله هدایت همه مردم «هُدًى لِّلنَّاسِ» است. قرآن، مایه هدایت خالص و بدون هیچ‌گونه ضلالت و سردرگمی است، اما تنها افراد پاک و پرهیزگار، از هدایت قرآن بهره‌مند می‌شوند «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، و هرکس که ظرف دلش پاک‌تر باشد، بهره‌مندی و نورگیری او بیشتر است.

صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد؛ چون آدمی به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار می‌شود این سه چیز را با هم مطابق سازد؛ یعنی نکند مگر آنچه را که می‌گوید و نگوید مگر آنچه را که معتقد است و گرنه دچار دروغ می‌شود (ترجمه المیزان، ج 1، ص: 652).

بر اساس تحلیلی که از آیات قرآن و تفاسیر مختلف از آنها گذشت، می‌توان گفت که دایره «صدق» نه‌تنها در گفتار که در نیت و عمل نیز گسترده است. همچنین دو حوزه معنایی کلی در مفهوم کلی‌تر «صدق» مندرج است؛ یکی به معنای راستگویی و پیروی از حق و دیگری به معنای وفاداری به عهد و پیمان است. داشتن ایمان، تقوا و پرهیزگاری، قرار داشتن در مسیر هدایت، وفای به عهد و پیمان و پیروی در کل اطاعت و پیروی از خداوند و پیامبر نیز از ویژگی‌های بارز یک انسان صدیق است.

در تعلیم و تربیت به‌طور عام و در تربیت دینی و اخلاقی به‌طور خاص، «صدق» را در هر دو معنای راستگویی و وفای به عهد می‌توان در کنار سایر مفاهیم اخلاقی، به عنوان اخلاق حرفه‌ای تدریس مورد توجه قرار داد. در مراکز تربیت مدرس و معلم که اخلاق حرفه‌ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان مهارت‌ها و نگرش‌های ویژه این ارزش اخلاقی را به‌طور مشخص و دقیق در رابطه معلم و شاگرد و در فعالیت‌ها و اقدامات آموزشی و تربیتی متنوع و در سطوح مختلف، تبیین نمود. همچنین می‌توان بخشی از محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی را به‌طور خاص و با جهت‌گیری و شیوه‌ای کاربردی به ارزش‌های اخلاقی مهمی چون صداقت، وفای به عهد، حق‌گروی و حقیقت‌جویی و نظایر آن اختصاص داد.

منابع

- نهج البلاغه. (1392). ترجمه محمد دشتی. چاپ دهم. قم: موعود اسلام.
- اعرافی، علیرضا و دیگران. (1387). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (2)؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. چاپ دهم. تهران: سمت.

- انصاری، محمدعلی. (1389). *گام‌های موفقیت در پرتو قرآن کریم*. چاپ دوم، مشهد: بیان هدایت نور.
- ایزو تسو، توشیهیکو. (1394). *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*. ترجمه فریدون بدره‌ای. چاپ سوم. تهران: فروزان روز.
- ایمان، محمدتقی. (1388). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، خسرو و همکاران. (1389). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پورامینی، محمدباقر. (1391). *سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (ع)*. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- جوادی آملی، عبدالله. (1394). *تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ مراحل اخلاق در قرآن*. چاپ پانزدهم. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (1394). *مفاتیح الحیاه*. چاپ یکصد و نود و پنج. قم: مرکز نشر اسراء.
- حجتی، سید محمدباقر. (1387). *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*. چاپ سی و ششم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (1374). *اسلام و تعلیم و تربیت؛ بخش اول تربیت*. چاپ شانزدهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. (1362). *گناهان کبیره*. جلد اول. چاپ هشتم. تهران: نشر ضرابی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (1387). *مفردات الفاظ قرآنی*. ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی. نشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- شریعتمداری، علی. (1377). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شمشیری، بابک و علی شیروانی شیری. (1390). «مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن». *دوفصل‌نامه تربیت اسلامی*. سال ششم. شماره 13. پاییز و زمستان 90، صص 79-98.
- شورت، ادموند سی. (1393). *روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی*. ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.
- شیروانی شیری، علی و دیگران (1392). «تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن». *دوفصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. سال بیست و یکم. دوره جدید، شماره 18، بهار 1392. صص 113-134.
- صفوی، امان الله. (1387). *کلیات روش‌ها و فنون تدریس*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات معاصر.
- فرهادیان، رضا. (1385). *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث*. چاپ دوم. قم: موسسه بوستان کتاب.
- قرائتی، محسن. (1383). *تفسیر نور*. چاپ یازدهم. تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- عمید، حسن. (1377). *فرهنگ عمید*. جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- غزالی، امام محمد. (1384). *کیمیای سعادت*. به اهتمام پروین قاسمی. چاپ دوم. تهران: پیمان.
- کومبز، جerald آر و لو روی بی دنیلز. (1394). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی*. ترجمه خسرو باقری.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. آذرماه 1390.
- مکارم شیرازی، ناصر. (1374). *تفسیر نمونه*. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- مظاهری، حسین. (1389). *ویژگی‌های معلم خوب*. نشر اخلاق.
- معارف، مجید. (1393). «درآمدی بر مفهوم صدق، مراتب و آثار آن از منظر نهج البلاغه». *نشریه بصیرت و تربیت اسلامی*، سال یازدهم، شماره 31، زمستان 1393، صص 1-18.
- موحدی محب، عبدالله. (1388). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. چاپ چهارم. قم: نشر معارف.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر. (1374). *ترجمه تفسیر المیزان*. جلد اول. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محمدی ری شهری، محمد. (1386). *میزان الحکمه*. جلد ششم. چاپ هفتم. به اهتمام حمید رضا شیخی. قم: نشر دارالحدیث.
- نراقی، احمد بن محمد مهدوی. (1385). *معراج السعاده*. قم: موعود اسلام.



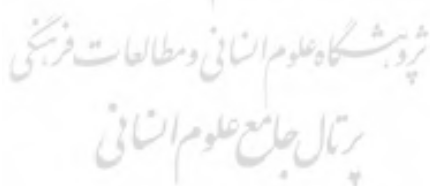
A Reflection in the Meaning of Truthfulness in Quran and its Educational Implications

Ali Shiravani Shiri¹, Marzieh Khoshnoud², Fahimeh Safari³

Abstract

One of the most effective and most important measures in the field of Islamic education is to analyze the fundamental Quranic concepts and to derive their educational implications. Certainly through careful analysis, and also by putting different meanings and concepts together, one may come up with authentic results. Therefore, the main issue in the present research is the meaning of truthfulness in the holy Quran and derives its educational implications. The research questions are: 1- what meaning does truthfulness indicates in the Koran? 2-What are the educational implications of truthfulness? The analytic-inductive method has been used in order to answer the above questions. With regard to this method, the present study is considered among qualitative studies. The results show that truthfulness concept in Quran deals with various meanings such as: be truthful in heart (wish), speech and act. and also be faithful and loyal to promises.

Key words: Quran, truth, Islamic education, moral education.



-
1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Iran, Corresponding Author, ali_shiravani@yahoo.com.
 2. Teacher, Iran.
 3. Teacher, Iran.